



معنویت تکلیف مدار جان مایه‌ی گام دوم انقلاب

محمدحسین علیجان زاده روشن

عنصر ماهوی انقلاب اسلامی، آن چیزی است که سبب گرایش و جذب فطرت‌های انسانی به سمت آن شده و این عنصر ماهوی چیزی نیست جز «معنویت». آن چه که در این کمینه می‌گوییم این است که در چهل سالگی این انقلاب عظیم و شکوهمند، آن چه که باید بدان پرداخت بازشناسی مجدد، از راه رفته و راه پیش‌روی انقلاب در جذب نفوس و سالکان حقیقت به سمت کمال حقیقی و الهی است.

عنصر ماهوی چیزی نیست جز «معنویت». آن چه که در این کمینه می‌گوییم این است که در چهل سالگی این انقلاب عظیم و شکوهمند، آن چه که باید بدان پرداخت بازشناسی مجدد، از راه رفته و راه پیش‌روی انقلاب در جذب نفوس و سالکان حقیقت به سمت کمال حقیقی و الهی است. به طور دقیق‌تر آن چه که از معنویت و عرفان امروز بیان می‌شود یا برآمده از تکالیف و سنن الهی است و یا طریقی به غیر از شریعت و احکام الهی می‌تواند باشد؟! از قدیم‌الایام این دعوی اساسی در میان مکتب‌های مختلف فکری در اسلام رایج بوده است که اصولاً حق با شریعت و با طریقت است؟ شریعت به معنای قوانین دینی و راه رسیدن به هدفی به نام دین است و طریقت را به معنای خود سلوک و گام برداشتن در این راه برای رسیدن به آن هدف نامیده‌اند. حال برخی از افراد «قوانین شرعی» را در این قدم برداشتن به سمت هدف، موجب محدودیت می‌دانستند و برخلاف این جریان، عده‌ای اصل را بر وحدت شریعت و طریقت با هم می‌دانند؛ یعنی عینیت شریعت با طریقت اصلی‌ترین مسئله در رسیدن به هدف نهایی که همان دین و معنویت است، شناخته می‌شود. بر این مبنا مرحوم امام خمینی^{علیه السلام} به عنوان طریقه‌دار و رهبر عمل‌گرا که هم در حیطه‌ی نظر صاحب‌کتابی مانند «شرح دعای سحر» و «مصباح‌الهدایه الی‌الخلافة و الولاية» هستند و در حیطه‌ی عمل نیز سرآمد عارفان دوران بوده‌اند، می‌فرمایند: «ما تا در این حیات دنیوی هستیم، تا در این جا هستیم، مأموریت‌ها از طرف خدای تبارک و تعالی داریم و باید قیام کنیم به این مأموریت‌ها. باید غفلت نکنیم از تکالیف الهیه. تمام تکالیف الهیه، الطافی است الهی و ما خیال می‌کنیم تکالیفی است، همه‌اش الطاف است...»^۱؛ بنابراین این مرحوم امام، عمل به تکالیف الهی را در واقع همان چیزی می‌دانند که برای انسان‌ها به عنوان مشی سلوکی و طریقت در مسیر شریعت و دین ضروری است. از این منظر باید بدانیم که آن چه تا امروز انقلاب با این نهضت پیش آمده، در واقع عمل به تکالیف الهی است که ارمغان آن‌ها «معنویت

انقلاب اسلامی، بر آمده از اعماق فطری انسان‌ها، داعیه‌دار و الهام گرفته از همان ارزش‌های اسلام ناب است. انقلابی که برپایه‌ی آرمان‌ها و ارزش‌ها و اوامر و احکام الهی بنا نهاده شد و پرچمدار و رهبرش نیز کسی بود که خود عالم به همه‌ی این احکام و تکالیف و عامل جدی به آن‌ها بود. مسئله‌ی معنویت، اساسی‌ترین گمشده‌ی دیروز و امروز بشر است و بر مبنای کمال‌خواهی فطری، انسان دائماً در حال قدم برداشتن به سمت و سوی رشد و تعالی است. انسان امروز از «پوچ‌گرایی زاینده‌ی تفکر سلطه‌گرایی و مادیت» خسته و به دور از نظام اجتماعی و خانوادگی و غرق شده در شهوانیات و تنهایی‌هاست و می‌خواهد خود را به سمت عوالمی غیر از این عالم موجود سوق دهد و در این راه ممکن است به راه صواب برسد و یا به راه خطا و انحراف قدم گذارد. امروزه متفکران غربی از راه رفته‌ی اسلاف عظمی خود در این که فقط همه‌ی مظاهر مادی، توانایی پاسخگویی به نیازهای بشر را دارد و لاغیر؛ اظهار پشیمانی نموده و به این مسئله اذعان و اعتراف کرده‌اند که عوامل موفقیت فقط در امور مادی و ظاهری نیست بلکه بیشترین توفیق در جدی گرفتن نیازهای روحی و احترام به ارزش‌های والای انسانی است. بر این اساس امروزه تحقیقات گسترده‌ای در مکاتب و نحله‌های فکری و عرفانی در رابطه با معنویت و آثار تربیتی برآمده از آن در دانشگاه‌های غربی در حال انجام است تا به این نیاز اساسی بشر پاسخی درست و درخور دهند. دین مبین اسلام به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های الهی که به صورت منظومه‌ای روشن در ارتباطی پایدار از مفاهیم ارزشی با یکدیگر، منادی خوشبختی و سعادت ظواهر و مادیات (این دنیا) و معنویات و کمالات نفسانی (آخرت) است تضمین معنویت و کامیابی بشر را ارمغان می‌دهد. همچنین انقلاب اسلامی نیز به عنوان پدیده‌ای عظیم برآمده از اسلام، پیام‌آور دین‌داری و تمسک به معنویت و اخلاق شده است و در پی شناساندن و رساندن این تحول شگرف در بشر است که: ای بشر در پی جست‌وجوی آنی، آنی!^۱ عنصر ماهوی انقلاب اسلامی، آن چیزی است که سبب گرایش و جذب فطرت‌های انسانی به سمت آن شده و این



آن چه که از معنویت و عرفان امروز بیان می‌شود یا برآمده از تکالیف و سنن الهی است و یا طریقی به غیر از شریعت و احکام الهی می‌تواند باشد. از قدیم‌الایام این دعوای اساسی در میان مکتب‌های مختلف فکری در اسلام رایج بوده است که اصولاً حق با شریعت و یا طریقت است؟

چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.

در ادامه به تبیین وضعیت نظام گذشته و فضای لجن‌آلود آن و ظهور شخصیت امام به عنوان انسان ترازى که با حرکت خود مردم، جامعه‌ی اسلامی را به سمت راه احسن سوق داد و سلوک مومنانه را مشخص نمود؛ می‌فرمایند:

(امام) عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشم‌گیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی علیه السلام در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود؛ ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان کرد و در برابر چشم همه نهاد. پدران، مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند، دل‌کنند و آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج‌سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز، حج، روزه‌داری، پیاده‌روی، زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا

آگاهانه» را در پی دارد. رهبر معظم انقلاب همواره در طول سی سال زعامت خود بعد از مرحوم امام، نیز بر مساله‌ی معنویت و بسط آن در جامعه به عنوان نیروی محرک نظام اسلامی برای دستیابی به هدف عظیم تمدن اسلامی تاکید و اصرار داشتند. در این میان در چهل سالگی انقلاب و گام دوم سلوک اربعینی این نهضت، ایشان به ایراد بیانیه و خط مشی این گام پرداختند.

آن‌چه که در بیانیه‌ی گام دوم زعیم حکیم انقلاب در مورد مساله‌ی «معنویت انقلابی» به عنوان پیش‌نیاز حرکت جامعه به سوی هدف اصلی (تمدن اسلامی) بدان اشاره و مورد تاکید واقع شده است، تبیین «حرکت و جهت انقلاب»، «نقش بارز امام خمینی، به عنوان انسان معنوی الگو و تراز و راهبر»، «تبیین مساله‌ی معنویت و اخلاق و حرکت جهادی در رشد چشم‌گیر و فراگیر»، «مساله‌ی دامنه‌ی معنویت مسئولین نظام اسلامی»، «شناخت نظام و سبک زندگی غیرمومنانه (غربی) از مومنانه» است. ایشان با تاکید بر مسئله‌ی جوانان در این بیانیه به‌صورت جدی به دنبال نقش آینده‌نگر این جوانان در ساخت فردای انقلاب هستند و این، نشان از این دارد که جوان در مشی و سلوک معرفتی با نیروی عظیم خود می‌تواند سدهای بسیاری را که شیاطین جنی و انسی در مقابل او گمارده‌اند با نیروی ایمان و همت و تلاش از سر راه بردارد که مشابه و نظیر آن را بارها در جوانان جهادگر و ایثارگر چه در دوران دفاع مقدس و چه بعد از آن شاهد بودیم.

مرور بیانات ایشان می‌تواند این مساله را به‌خوبی برای ما روشن نماید:

مقام معظم رهبری در صدد تبیین زمین‌بازی و ترسیم نقشه‌ی روبرو و وضعیت موجود برای نسل جوان برمی‌آیند و در این باره می‌فرمایند: «اینک (انقلاب) وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.»

سپس در بخشی دیگر از این بیانیه می‌فرمایند: انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛



انقلاب اسلامی ایران با توجه به بیانات زعیم حکیم انقلاب و نظر به تجارب حاصل در طول ۴۰ سال گذشته برای رسیدن انقلاب به نقطه‌ی اوج خود در آینده و نیز با توجه به قدرت، هیمنه و عزت آن و عمل به بیانیه‌ی گام دوم، می‌تواند در بالاترین ساحت تمدنی جهان قرار گیرد و طعنه بر ابرقدرت‌های پوشالی و الحادی بزند و تمدنی مبتنی بر معنویت، پیشرفت و سعادت را به جهانیان معرفی کند.

و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و

میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله.»

هم‌چنین در مسأله‌ی معنویت، دامنه‌ی معنویت مسئولین نظام اسلامی را در بحث ساده‌زیستی و طهارت اقتصادی و سیاسی مطرح می‌نمایند و می‌فرمایند: «همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است.»

در ادامه‌ی توصیه‌ها، به مسئله‌ی سبک زندگی و شناخت صحیح از آن به عنوان ابزار مهم شیطان و نظام مادی در گمراه کردن نظام مومنان اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.»

انقلاب اسلامی ایران با توجه به بیانات زعیم حکیم انقلاب و نظر به تجارب حاصل در طول ۴۰ سال گذشته برای رسیدن انقلاب به نقطه‌ی اوج خود در آینده و نیز با توجه به قدرت، هیمنه و عزت آن و عمل به بیانیه‌ی گام دوم، می‌تواند در بالاترین ساحت تمدنی جهان قرار گیرد و طعنه بر ابرقدرت‌های پوشالی و الحادی بزند و تمدنی مبتنی بر معنویت، پیشرفت و سعادت را به جهانیان معرفی کند. ان‌شاءالله.

پی‌نوشت‌ها

۱. تا در طلب گوهر کانی کانی / تا در هوس لقمه نانی نانی این نکته‌ی رمز اگر بدانی دانی / هر چیزی که در جُستن آئی (مولانا)
۲. صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۲۵۶.

امروز، روزبه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

ایشان در توصیه‌ها به ضرورت مسأله‌ی معنویت روزافزون در ذیل انقلاب اسلامی و گسترش اخلاق همراه با حرکت جهادی و تلاش مضاعف و نقش نظام اسلامی در این بسط پرداخته و می‌فرمایند: «معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی؛ چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.»

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان

